

مدعای من سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های ترجمه‌شده از او و خاطراتش است.

سعیدی: سینمای هالیوود از همان ابتدا تحت تأثیر تفکرانی بوده و سعی کرده تقدس‌زدایی از پیامبران را انجام دهد. مثال‌هایی از این فیلم‌ها عبارتند از «عیسی مسیح سوپرستار» (۱۹۷۳) که مسیح را در قالب یک خواننده نمایش می‌دهد و «آخرین وسوسه مسیح» ساخته مارتین اسکورسیزی که تصویر یک انسان عادی درگیر وسوسه‌های شیطانی است. یکی از نمونه‌های اخیر، فیلم «نوح» اثر دارن آرونوفسکی است که در سال ۲۰۱۴ ساخته شد. این فیلم روایت متفاوت و تحریف‌شده‌ای از حضرت نوح پیامبر دارد که اعتراضات و واکنش‌های منفی زیادی را در غرب و جهان اسلام به همراه داشت و حتی برخی کشورهای غیراسلامی نیز پخش آن را ممنوع کردند.

ما سه نظریه داریم. برخی معتقدند سینما می‌تواند هر فیلم دینی بسازد، همان‌طور که در غرب انجام می‌شود و این سینما دینی است. برخی دیگر می‌گویند که ماهیت سینما فریب‌دهنده و اغواکننده است و نمی‌تواند ذات حقیقی را بیان کند.

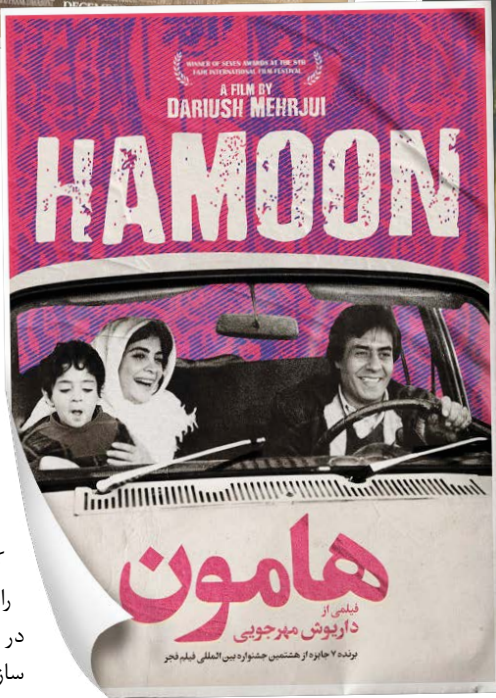
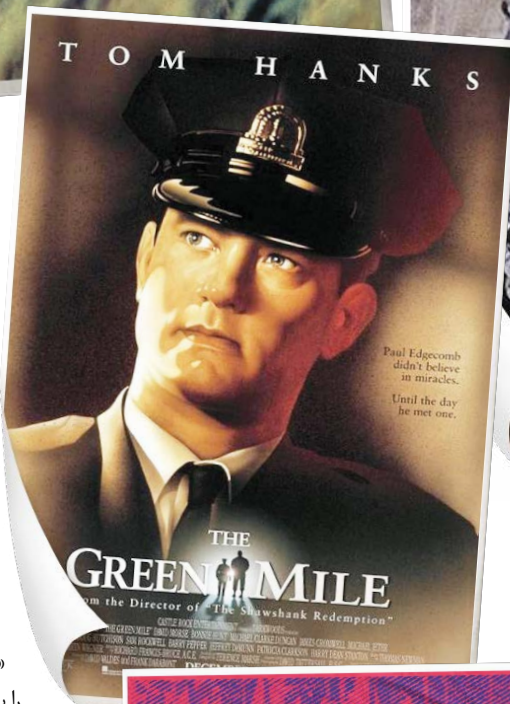
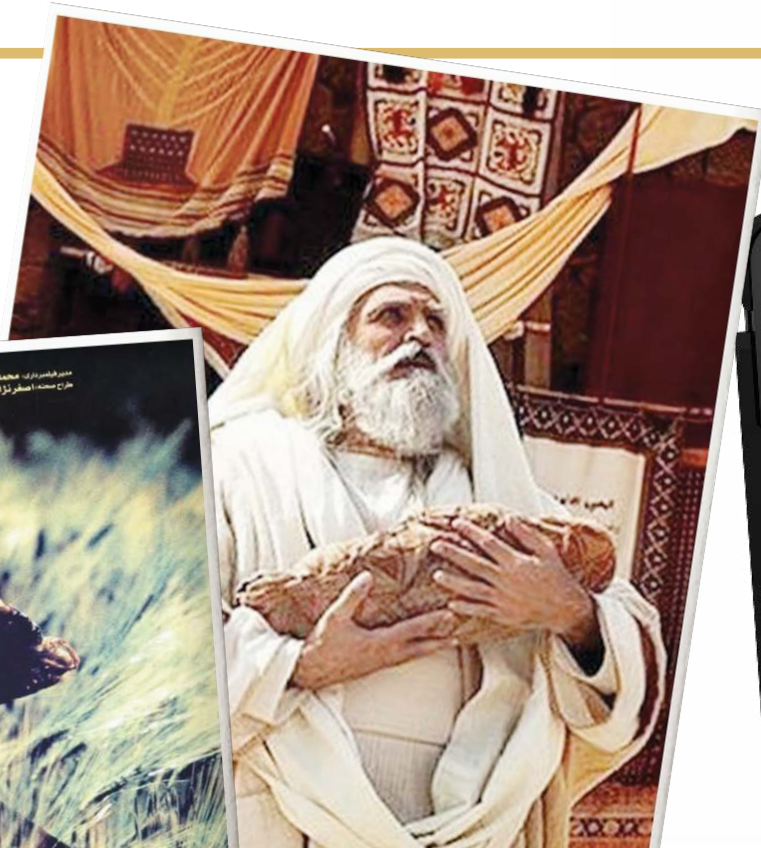
دسته سوم، نظریه بینابینی دارند و معتقدند که یک فیلمساز می‌تواند فیلم دینی بسازد، به شرطی که بر ابزارهای سینمایی مسلط باشد و رسانه را به خدمت مفهوم آن برای فیلمساز اهمیت داشته باشد. در این صورت، حتی اگر فیلمساز مانند «الرساله» مسلمان نباشد یا اعتقادات دینی نداشته باشد، می‌تواند فیلمی معنوی خلق کند.

عالی: به نظر می‌رسد تفاوت دیدگاه مسیحیت و اندیشمندان اسلامی، ریشه در تعریف فیلم مذهبی یا معنوی دارد. مسیحیت معتقد است نسل امروز اطلاعات بصری خود را از رسانه‌ها و فیلم‌ها می‌گیرد، نه از کلیساها؛ بنابراین، فیلم‌های مذهبی باید اعتقادات را تقویت کنند، مشابه نقش تصاویر کلیساها. برخی اندیشمندان غربی نیز معتقدند این محصولات فرهنگی تنها ارزش‌ها و تفکرات سازنده‌شان را منتقل می‌کنند. در مقابل، اندیشمندان مسلمان مانند آیینی بر غلبه محتوا بر فرم تأکید دارند. آنها معتقدند تکنیک‌های سینمایی مانند دکوپاژ و میزاسن باید به‌گونه‌ای انتخاب شوند که مضمون دینی غالب باشد، نه این‌که فرم، محتوا را تحت‌الشعاع قرار دهد. درحالی‌که مسیحیت سینما را به عنوان ابزاری برای انتقال مفاهیم دینی پذیرفته، اسلام بر حفظ اصالت محتوای دینی در قالب هنری تأکید می‌کند. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده دو نگرش متفاوت به رابطه دین و سینماست.

محسنی: تاریخ و مذهب همواره مورد توجه فیلمسازان بوده‌اند، از «گریفیث» تا «سیسل بی‌دومیل». آنها از قسه‌های انبیا و تصاویر آشنایاری جذب مخاطب استفاده کردند اما هدف اصلی‌شان بیان مسائل دینی نبود، بلکه پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی بود. در این فیلم‌ها، انبیا به جای شخصیت‌های مقدس، به عنوان انسان‌های عادی و مردم نشان داده می‌شدند که تحت قوانین الهی مجبور به تصمیم‌گیری بودند. این رویکرد نوعی تقدس‌زدایی از شخصیت‌های دینی محسوب می‌شود.

زهرایی: همان‌طور که بیان شد این نوع سینما تحت عناوین مختلفی مانند سینمای اشرافی، معناتر، دینی، اسلامی معرفی شده است. هر واژه‌ای که در سینما به کار می‌رود، باید تعریف مشخص و قابل دفاعی داشته باشد. من معتقدم که واژه‌های پیشنهادی تا امروز (معناتر، اشرافی، دینی، ...) کامل نبوده‌اند و به دلیل موارد نقیضی که در تعریف برای‌شان پیدا شده، قابل تعمیم نیستند و باید به دنبال واژه‌ای مناسب‌تر باشیم. پیشنهاد می‌شود که از واژه «سینمای معنوی» استفاده کنیم، زیرا این واژه تمام مفاهیم دینی، معنوی و اخلاقی را با دایره‌ای بزرگ و جهانشمول در برمی‌گیرد و نقضی برای آن نمی‌توان یافت.

این نوع سینما هنوز به ژانر تبدیل نشده اما می‌تواند در بسترهای مختلف اجتماعی، سیاسی و معنوی صرف حادث شود. فیلم‌هایی مانند: «آهنگ برنات» «حضرت مسیح»، «حضرت سلیمان» و «حضرت موسی» و فیلم «محمد رسول الله» که اشاراتی مستقیم به معنویت دارند تا «خانه دوست کجاست؟»، «مهر هفتم» برگمان یا «۲۱ گرم» می‌توانند نمونه‌هایی از فیلم‌های معنوی باشند. در این نشست، قصد داشتیم ابهامات مرتبط با این نوع سینما را به قدر زمان و بضاعت مان برطرف کرده و با تاریخچه، واژه‌شناسی و دیدگاه‌های مختلف بیشتر آشنا شویم تا درک بهتری از این‌گونه سینما و بیان و روایت در آن پیدا کنیم و در نهایت مخاطبان، منتقدان، هنرمندان و مدیران هنری را به تأمل و بازاندیشی در این حوزه‌ها ترغیب کنیم.



فیلم «حس ششم»، درحالی‌که برخی دیگر روح را کاملاً مادی نشان می‌دهند، مانند فیلم «بیست و یک گرم»، فیلم‌ها درباره فرشتگان نیز دیدگاه‌های مختلفی دارند؛ برخی فرشتگان را مرز میان جن و شیطان می‌دانند، مانند فیلم «نیکی کوچک». برخی دیدگاه جنسیت‌زده دارند و فرشتگان را به صورت جنسی و درگیر عشق زمینی نشان می‌دهند. برخی دیگر فرشتگان را موجوداتی انتقام‌گیرنده و ترسناک نشان می‌دهند، مانند فیلم «لژیون». فیلم‌ها درباره شیطان، او را به صورت موجودی ترسناک نشان می‌دهند که می‌خواهد حکومت خود را بر انسان اعمال کند.

چالش‌ها و نقدهای مرتبط با سینمای معنوی

زهرایی: به عنوان مثال، آنتونی کوئین که نقش حضرت حمزه را بازی کرد، در زندگی شخصی‌اش الکل نمی‌نوشید؛ اما نقش حمزه یا عمر مختار را به خوبی ایفا کرد. یا ایرنه پاپاس که در فیلم‌های دیگر حتی صحنه‌های برهنگی نیز داشته، در فیلم نقش هند جگرخوار را بازی کرده است. اینها نشان می‌دهد که بازیگران می‌توانند نقش‌هایی کاملاً متفاوت باشخصیت واقعی‌شان را به خوبی اجرا کنند و این از خصوصیات سینماست اما در حیطه کارگردان خالق اثر باید آن فضا و جهان‌بینی مورد نظر را درک و زیست کرده باشد تا بتواند عوامل مختلف را در راستای مدیومش برای حصول به نتیجه مطلوب سازماندهی کند.

اما در مورد سینمای معنوی، نمی‌توان تارکوفسکی را به عنوان نماینده سینمای معنوی معرفی کرد. او هرگز ادعای ساخت سینمای معنوی نداشت و حتی نظریه‌ای در این زمینه ارائه نکرد و این خلط می‌شد در نتیجه کم‌اندیشی مدیران وقت سینمایی ایجاد شد. او بیشتر به زمان در سینما توجه داشت؛ زمان در بازیگری، زمان در تدوین، زمان در حرکت دوربین و نهایتاً زمان در میزاسن. اینها عناصری بودند که او در خلق روایت‌هایش به کار می‌گرفت. تارکوفسکی نظریه‌پردازی درباره زمان در سینما بود و نظریه خودش را به درستی اجرا می‌کرد. اگر بخواهیم بگوییم او فردی به غایت معنوی بود به خطا رفته‌ایم. باید بپذیریم که او بیشتر به دنبال تجربه‌های سینمایی بود که شاید ارتباط چندانی با معنویت نداشت. شاهد



سعیدی: متافیزیک با ماورا، الطبیعه علمی است که پیرامون خدا و موجودات ماورایی بحث می‌کند. در سینما، به‌ویژه در ژانر وحشت و فانتزی، مفاهیم متافیزیکی مانند زندگی پس از مرگ، معاد، روح، ملائک و شیطان بررسی می‌شوند. فیلم‌ها ممکن است خدا را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تأیید یا نفی کنند. برخی از این فیلم‌ها به توجید پرداخته‌اند



را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تأیید یا نفی کنند. برخی از این فیلم‌ها به توجید پرداخته‌اند و برخی دیگر چندالپه‌گرایی را نشان داده‌اند. فیلم‌های دیگر به مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی و ارزشی دینی می‌پردازند. این فیلم‌ها یا صفات خوب و پسندیده مانند عدالت و تقوا را ترویج می‌کنند یا تأثیرات سوء رذایل اخلاقی را نشان می‌دهند. نمونه‌های شاخصی از این دسته فیلم‌ها شامل «روز هشتم»، «مسیر سبز»، «هفت»، «آخرین گام‌های یک محکوم به مرگ» و فیلم‌های ایرانی مانند «بچه‌های آسمان»، «تولد یک پروانه» و «خیلی دور خیلی نزدیک» هستند.

سینمای معنوی می‌تواند با سینمای مدرن و پست مدرن همخوانی داشته باشد. در سینمای مدرن، برخی فیلم‌ها به ایمان و مذهب پرداخته و سؤال‌هایی را مطرح می‌کنند که به چالش کشیدن باورها و اعتقادات دینی را نشان می‌دهند. این فیلم‌ها معمولاً پایان‌های باز و پرابهام دارند و مخاطب را به تفکر و تأمل وادار می‌کنند. در سینمای پست مدرن نیز می‌توان فیلم‌هایی یافت که نشانه‌هایی از امید و ایمان در آنها وجود دارد، هرچند ممکن است با رویکردی طنزآمیز یا شکاکانه مطرح شوند. این فیلم‌ها با استفاده از عناصر معنوی و دینی می‌توانند مخاطبان را به تفکر و تأمل وادار کنند.

عناصر و ویژگی‌های سینمای معنوی

زهرایی: همان‌طور که بیان شد اگر کارگردان معنویت و جهان‌بینی موردنظر را به خوبی درک کرده باشد، می‌تواند با کنار هم قرار دادن المان‌های هنری سینما، پیام معنوی خود را به مخاطب منتقل کند؛ برعکس این قضیه هم صادق است: حتی اگر کارگردان معتقدترین فرد باشد اما به فنون سینمایی مسلط نباشد، نمی‌تواند اثر معنوی خلق کند. تسلط بر فنون سینما بسیار واجب و عامل تأثیرگذار نهایی است. عناصری مانند برش، بازی بازیگر و حتی گریه او اهمیت زیادی دارند. وقتی بازیگری گریه می‌کند، مخاطب نمی‌داند که آیا او به یاد خاطره‌ای شخصی افتاده و اندوهگین است (تکنیک) یا برای امری والا که در فیلم می‌بینیم گریه می‌کند. کارگردان باید بر این ابزارها و تکنیک‌ها تسلط داشته باشد و آنها را در جهت هدف معنوی خود به کار بگیرد تا اثری معنوی خلق کند. حتی ممکن است منبع المان‌ها و غیرالهی باشد و این اتفاق بارها افتاده است.

عالی: عناصر و ویژگی‌های سینمای معنوی شامل موارد زیر می‌شود:

نمایش آیین‌ها و نمادهای دینی: از این طریق به معرفی و نمایش آیین‌ها و رسوم دینی پرداخته می‌شود.

نمایش قصه‌های انبیا و اولیا: داستان‌های مربوط به پیامبران و شخصیت‌های مقدس دینی به تصویر کشیده می‌شود.

نمایش باورهای ذهنی، خصلت‌های فکری و خصوصیات نهادی جهان پیرامون انسان: این بخش شامل نمایش اعتقادات و باورهای مذهبی، فلسفی و معنوی افراد است.

این سینما مرز مشخصی با ژانرهای دیگر ندارد و می‌تواند در قالب‌های مختلفی مانند مستندهای دفاع مقدس، مانند «روایت فتح» ظاهر شود. در این فیلم‌ها، رزمندگان به عنوان عارفانی تصویر می‌شوند که به حق می‌رسند.

سعیدی: فیلم‌های سینمایی با محتوای دین و معنویت در سینمای غربی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱- فیلم‌هایی با شماایل دینی:

محسنی: فیلم‌هایی که به عنوان فیلم دینی شناخته شده‌اند، مؤلفه‌های مشترکی دارند. یکی از این مؤلفه‌ها کشف و شهود است که [مطابق آن] تجربه‌های حسی به واسطه یک خاستگاه درونی به حوزه الهام و وحی برمی‌گردند. این رویکردی کاملاً ذهنی و فلسفی است که همه انسان‌ها در وجود خود تجربه‌اش می‌کنند. این رویکرد به دل‌آگاهی، دل‌آشوبی و هیپنوتیزم برمی‌گردد

و به تعالی دارد و در نهایت مان می‌دهد که فیلم معنوی مدرن، که همه می‌دانیم ذاتش است، پایان باز دارد و به سمتزل مقصود نمی‌برد، ر مدرنیته است.

که سینمای پست مدرن هم شد، سینمای معنوی است؟ چون با رساله‌ها و تعاریف مخالف است. ما باید جان و رک کنیم. در سینمای مدرن رن با همه چیز شوخی می‌کند و واقع ما نمی‌توانیم داستان‌ها را بگیریم. در یک داستان‌های دینی، مبارزه می‌کند. کمک سرانجام به نتیجه و رستگاری می‌یابست و جانش را در راه این آرمان ارزش جانفشانی معنوی باشد. ولی اگر همان مرگشتگی می‌رسد و نتیجه‌ای حیطه معنویت خارج و به حیطه نظام الهیاتی و معنوی، پیام ر که به پیام تمام کتب آسمانی

عنوان فیلم دینی شناخته می‌دارند. یکی از این مؤلفه‌ها مطابق آن تجربه‌های حسی حیطه معنویت خارج و به حیطه کاملاً ذهنی و فلسفی است خود تجربه‌اش می‌کنند. این سوبی و هیپنوتیزم برمی‌گردد. رگرشایی استفاده می‌شود تا را با دنیای دیگر یا نادیدنی می‌به هزارتوی ذهن انسان یا بشری و فوق بشری برمی‌گردد. می‌مخاطب را همراه می‌کند. ده می‌شود یا به اوج کمال

بازی در این فیلم‌ها بیشتر است که در اثر گذر از مسیری یا انسان‌های دست‌نیافتنی‌ند همدات‌پنداری مخاطب را مولاً تلگرافی، کوتاه و سبک فیلم‌ها باید به‌کارگیری ذهن ماد‌های آشنا مثل آب، خاک، استفاده کنند.

هیچ‌یک از این المان‌ها و نند اما جایی از زندگی یک رنتیجه به فداکاری و ایثار به مخاطب القا می‌کنند که بازی نیست که این سخن از این صفات انسانی، انسان را تات می‌کند و هیچ‌یک از این قطعی برای شناخت یک

راء الطبیعه علمی است که ماورایی بحث می‌کند. وحشت و فانتزی، مفاهیم از مرگ، معاد، روح، ملائک و فیلم‌ها ممکن است خدا